

لازمه ترین مطالبات از مطبوعات خارجی
که با پست هوایی به این رسیده است

بزودی نوبت فرمانروائی باستانلین دوم خواهد رسید

مطبوعات شوروی از مدتها قبل شروع به تعریف و تمجید از پسر استالین کرده اند ولی واسیلی استالین، دشمن سرسختی بنام «اسوتلانا» ستالین دارد.

کتابی که در باره عشق بازی دختر استالین چاپ شد

مرد اینست که روسیه شوروی بود و آنرا میباید که در زمان پادشاهی روسیه سال تولد زن استالین را بیاورد و مخصوصاً بهین نسبت سید دارد با انتظار یک سلسله امارت فلان دهد که بی نامه بنیاله نووری در وقت چه سال اجرا شده است در چنین موقعی تمام مطبوعات شوروی، امیر استالین که در سکر دفتر میفرستد در دورترین نقاط شوروی و موزولستان، از چند هفته پیش نام گهرا میرسد به بول آتیا گذشته با شهادت و شهادت هیراسا پیوسته با شهادت، سیاستمداری هم فراسی خوانی و سادگی و «کتابی» او هم نظیر ندارد. نام این مرد، استالین است و نام پسر استالین بلکه «واسیلی» استالین است پسر ارشد آتیا و صاحب خیار کشور شوروی و ژنرال نیروی هوایی سرخ و فرمانده ناحیه مسکو که هم از مرز حکومت شوروی همال مجوم احتمالی نگهبانی اند و هم از فرملین در برابر توطئه بار میسند.

«واسیلی» سر لاشه پرمجاری دارد قیو نه نخستین عسر دیکتاتور روسیه که خود را هفت از این بهشت پدرش نسبت بسیار نظر خوبی داشت بطوریکه تا اوایل جنگ گذشته میوه این ازدواج بود پورست بود غضب و سخط پدر خود تمام محبت ها و ملاطفت های درانه قاتله شوروی متوجه پسر پیکرش «ژا لوب استالین» بود که از ازدواج دیگری بوجود آمده بود دوست بیاد نظام درجه سرمنگی داشت.

ولی اختلاس که سرچنگ را نوب جانین جنگ پورست آتیا بایسکو بدوئی نشانداد و مانه سر بلای بی ندری تسلیم آتش اسلحه شد در خوریکه در همان لاشه «واسیلی» لیان هواییای عسکری قتلخ قابل لذتی نموده بود.

آنوقت دیکتاتور شوروی متوجه شد که راه خطا پیوده بوده است و صد جبران مافات برآمد و روز روز «واسیلی» را عزیزی گریه می داشت.

اما «اسوتلانا استالین» دختر یکتانور و نازدوارس کهنای و پناه زمین تیر و شمشیر خورشید بود برا هیجوت نسبت با و سر و محبت داشت بخت اینکه در تمام دوره جوانی آنرا واسیلی بیاید آن که نشن جبارسل از «اسوتلانا» زیاده تر است نودین نمای و اولی به گویی بیکره در حقیقت خود را چاموس نموده اند.

ملا میوه واسیلی بود که به استالین خبر داد که در کتاب او «اسوتلانا» جلوه ورزیده بود یعنی که شده بود مادام اول «واسیلی» آموزگار فراسوی خود را به تر خصوص و برده است.

تلقه شوروی از این خبر سخت برآشت و دختر را تبه به بی نبود و بیدار که آموزگار فراسوی او را پدرش از روسیه شوروی اشراج کرد و چون «اسوتلانا» آن آموزگار را بعد بر سرش دوست میبافت هرگز برادرش را نهید.

از آنوقت به حواصه دیگری نظیر این حاده بلکه حدیث تر لیس اتفاق افتاد ولی «اسوتلانا» از منگانی که در آن شده نوز زیاده پدرش پیدا نود و پدرش هم دوست دارد هیرا را با وی نگه دارد و بنسبت «آباد» و «سادهان» مروری که در باها نوبت نوزده نوبی دهد.

منگانی که جنگ پایان یالست ، «اسوتلانا» از این موبیت خود برای تصفیه حسابی که با پدرش داشت با لیل مهارت استفاده کرده مخصوصاً پدرش گفت که «واسیلی» با زبان زیاده آمیز میبگفت و تمام اوقات خود را با لیل آنرا میسر میبرد.

در انجمن استالین از این قضیه سخت خشمگین شده دستور داد تحقیقات دقیق و صمیمی در این باب سرچا شود در اندک وقتی صحت گفتار «اسوتلانا»

معلوم گفت اتفاقاً همه زیاده از افسران هم شکایت کردند که «پسر ارباب» زبان و رفیق های آنهارا «بخته» و فریب داده است.

حاجت دیکتاتور شوروی برای رغم خاله پسر خود را به آلمان فرستاد.

در سال ۱۹۴۷ «واسیلی» از آتیا بر پشت و بر خلاف سابق که همیشه خود را از سر که سیاست دور میداشت، به مقدمه با «آنتونوف» وزیر نیروی دریایی بازرگانی و «بوفوف» رئیس مجلس شورای «لنین» در خدمت دوست صمیمی شد ولی این دو نفر در ماه مارس (فروردین - اردیبهشت) سال جاری در طی «تصفیه» فنیکی که بعمل آمد، از صحنه دور شده زیرا هر دو سمت راست متنازل شده بودند.

«اسوتلانا» دریافت که جریان اوضاع به میل او است معذرا در همان موقع خوشحال و خرسند میداشت که در سوله کتابی بطیم میسرده به بعضی انتشار یکبار دیگر او را در نظر پدرش نقش مبارزه

این کتاب بنام «روسیه آنطور که من دیدم» بطبع رسیده و شخصی بنام «انتولی اکارت» مهندس لهستانی صله آخر آنرا امضاء کرده بود.

این مهندس هم مانند بسیاری از هم میبانش، پسر از تقسیم لهستان بین آلمان و روسیه در یکی از زندانهای شوروی بسر میبرد و در آنجا بایکی از صحنه آرایان معروف سینمای شوروی بنام «کابلر» آشنا شده، گناه این شخص این بود که با «اسوتلانا» عشق ورزی میکرد پلیس مافی شوروی در اندک وقتی باین عشق و مباحثه بی پروا به «کابلر» اخطار نامه ای فرستاد و او را چون گمان نمیکرد که کسی بتواند با حق و مشق دختر «قیصر» شوروی دست بیاورد، امنیت نداد و موقعی بضمای خود واقف شد که در جهنم شوروی بسر میرد.

«کابلر» بدبختی های خود را بتفصیل برای «اکارت» نقل کرد. اندک وقتی به «اکارت» آزاد ولی از خروج از کشور شوروی ممنوع شد.

با وجود این، در پاییز سال ۱۹۴۸ مغلیه از مرز گذشت و خود را به استنگلم رسانید و در اوایل فصل تابستان سال جاری کتاب خود را منتشر کرد.

مضمون او از انتشار آن کتاب این بود که با قل سر گذشت «کابلر» - اسوتلانا پدرم بهمانه که رژیم دموکراسی ملی شوروی تا چه حد

ملا میوه واسیلی بود که به استالین خبر داد که در کتاب او «اسوتلانا» جلوه ورزیده بود یعنی که شده بود مادام اول «واسیلی» آموزگار فراسوی خود را به تر خصوص و برده است.

تلقه شوروی از این خبر سخت برآشت و دختر را تبه به بی نبود و بیدار که آموزگار فراسوی او را پدرش از روسیه شوروی اشراج کرد و چون «اسوتلانا» آن آموزگار را بعد بر سرش دوست میبافت هرگز برادرش را نهید.

از آنوقت به حواصه دیگری نظیر این حاده بلکه حدیث تر لیس اتفاق افتاد ولی «اسوتلانا» از منگانی که در آن شده نوز زیاده پدرش پیدا نود و پدرش هم دوست دارد هیرا را با وی نگه دارد و بنسبت «آباد» و «سادهان» مروری که در باها نوبت نوزده نوبی دهد.

منگانی که جنگ پایان یالست ، «اسوتلانا» از این موبیت خود برای تصفیه حسابی که با پدرش داشت با لیل مهارت استفاده کرده مخصوصاً پدرش گفت که «واسیلی» با زبان زیاده آمیز میبگفت و تمام اوقات خود را با لیل آنرا میسر میبرد.

در انجمن استالین از این قضیه سخت خشمگین شده دستور داد تحقیقات دقیق و صمیمی در این باب سرچا شود در اندک وقتی صحت گفتار «اسوتلانا»

برای اقامت هوی هوس شخص واحدی مور استفاده قوام میگردد ولی نمیدانست پس از انتشار این کتاب، چه نتایجی بلافاصله حاصل خواهد شد.

اسراری که مهندس لهستانی فاش کرده بود، ژنرال لیسیم استالین را بر ضد دخترش برانگیخت و اگر تا آنوقت قضیه «اسوتلانا - کابلر» را ندیده انگاشته بود برای این بود که گمان میکرد سنی و کوشش پلیس مافی شوروی مانع از انتشار آن شده است ولی پس از آنکه از فاش شدن ژنرال لیسیم استالین دیگر نمیتوانست از ابراز خشم خودداری کند و دخترش را مورد مؤاخذه قرارداد.

در نتیجه «واسیلی» دوباره در زندان افتاد و اتفاقاً اینده اوضاع سیاسی هم بتغییر نقش خود را بازی در چنانکه در ماه ژوئن عسکری المل «کرمین» علیه توطئه «ووزلس» - «ساکسکی» - «بوخکین» ظاهر شد.

«ووزلس» «ساکسکی» که عضو اداره سیاسی شوروی و رئیس قوه پنجاه و یکی از چهار نفری بود که پرونده ترین رجال شوروی محسوب میشوند در ماه مارس قدرت خود را از دست داده بودند و منوردر کرملین جاده مقابله داشت.

«بوخکین» هم که سفیر لیر دولت شوروی در اتریش بود یکی از پر دست ترین سیاستمداران شوروی محسوب میشد و وقتی ژنرال لیسیم استالین دریافت که این دو نفر حاضر شده اند در طرح انقلابیکه «تیتو» تهیه کرده است هر گز نتواند در حقیقت گروهی از نویسندگانی شد ژنرال لیسیم استالین را بطغیان وادارند، بی اندازه خشمگین شد و از آنوقت پید نیست بهمه اطرافیان خود حتی با وفاتین مشاورینش مثلاً «مالنکوف» که تا حال جانشینش محسوب میشد بدین حده است و آتون قصد دارد بجای «مالنکوف» «واسیلی» را بجانشین خود برگزیند.

خلاصه استالین دوم چنانشین استالین لیر میشود و سلطنت تواری مجدداً مستقر و موروثی خواهد شد از هم اکنون ملامت این امر را مطبوعات شوروی نراهم میکنند ولی «واسیلی» که بنظر همه ای لایق احراز این مقام نیست، فلانورق برنده دیگری دارد و آن دختر مولوتف است که نامزد او است و قصد دارد در حال و آتیه از واهشیایی پادشاهان آینده اش در امور سیاسی و شوردراری استفاده کند.

معذرا در این باره که اما هست به مهارت دیگر ژنرال لیسیم استالین هنوز زنده است و تا وقتی که حیات دارد هر توطئه ای علیه او عظیم خواهد ماند.

«اسوتلانا» هم هنوز حرف آخر خود را نگفته است.

آزادی و روشنائی

بمقام آقای دکتر سید علی شایسته

۴۴-

محمود اندیشناک و ملول از خانه اندرونی برهان المالک، از بهلولی اطالی که علی در آن در بستی بیماری افتاده بود آهسته آهسته بیرون رفت «خانه همان خانه بود، بزرگ و فشنه و فرحناک ولیکن چشم محمود بر یکی و شکلی دیگر مینمود، محمود در آن غبار غم میدید و اندوه و نگرانی، انساخه در اطاق کوچک خود نهشته بود و از هنگام آمدن محمود و رفت و شنید باز همان باغی تا وقت خارج شدنش از در اندرونی رفیق برادر خود را بهر از چشم نگاه میکرد.

انساخه برادر خود را بسیار دوست میداشت و از بیماریش بینهایت غمگین بود. اما در عصر آن روز خدای و غم در دلش بهم بود باغود میبگفت که علی مرخص است اما مرض سخت نیست آن شاء الله خوب خواهد شد. همه بیچاره آید خواهند رفت. محمود هم خواهد بود. با علی و محمود در بهر آن باغ وقتی رسید قله و اما زاده یعنی خواهم رفت و بهر جا که برویم لایه محمود هم خواهد بود و خوش خواهد گذشت.

شب حال علی کمی بهتر شد، باز میبگفت و میخندید و از جنگ افسار چنه بیت خواند اما زود خسته شد و از انساخه که با مادرش در اطاق بود بفرستاد.

نیدانم این قدر سواد داری که بی غلط چند شعر بسرای من بخوای؟

برادر آخر تا می میخوانی هنر مردم را ضایع کنی، سفتترین شعرها را بیاد آوری غلط بخواوم.

انساخه حوصله امتحان کردن ندارم، لازم نیست شعر سخت بخوای، دوسه غزل از حافظ در این جنگ نوشته ام آن هارا بخوان، باید محمود بگویم آن حافظ چاهپ هشد را بین باغات بدهد، این حافظ را روزی در کتابخانه پدرش دیدم که خوش خطبست و خوش چاپ قش و تکار و تصویر کزو بابل و علی النصوص یادگار ها و چیزهایی که در اول و آخر و حاشیه صفحاتش نوشته شده است همه را دوست دارم و هوس کرده ام که آن را بیهنم و از آن شعر بخواوم.

علی واقعا غنلی شاعری راستی میخوانم بگویم که محمود خان امروز عصر بدینت آمده بود اما چون خوب بودی گفت بیدارش نکنید.

بد کرده باید بیدارم فرماید.

انساخه از افسار حافظ که در جنگ بود چند بیت خواند اما حال علی کم کم بد شده است و هرد هشت یافت چند انساخه علی را بیطاعت کرد. حاجت بعد از سه چهار ساعت پیچ و تاب مرق آمده و علی ارغشکی بخواه رفت. انساخه آن شب در اطاق خود زار و زور فریاد و اشکباری و زاریش را کسی ندید و نشنید.

دوره شدت مرض علی ده روز طول کشید. محمود که در این مدت بحکم طبیب از دین رفیق خود ممنوع بود بچهره شیخ نصراخه بیشتر میرفت چرا که وضع و حال مدرسه بهرام خان کوئی با و تسلی میداد.

حال علی کمی بهتر شد. محمود که این ده روز بر او سالی گذشته بود مشتاقانه بیادش رفت و دل محمود بملالت و گفت و شنید با این رفیق صدیق آرامش یافت.

علی بسیار ضعیف بود و نمیتوانست در بستر بنشیند و هنوز تب داشت اما بدین محمود اندکی توانی داد و بیدارش آورد که حافظ چاپ کند و از او بامانت بخواهد. علی با زاجفر آباد و سفر نرنگ و مدرسه و درس میرزا ابوالحسن و مادام لاسال حرف زد. حال یکایک دوستان و همدرسان را پرسید.

محمود بسؤالانش جواب مختصر میداد و برای آنکه علی را خسته نکند بهد از سیاست رفت و حافظ چاپ کند را بخواه علی فرستاد.

شیخ نصراخه و معین هروس و مهدی در گوش و باغ و باغیون و بسیاری از همدرسان بیاد او میروند و محمود خوشوقت بود که علی دم لم فوت میکرد و از ضحک و مسالت بیرون میآید.

مردان بکشاورزان

بمپ های آبیاری اینچی و ۱۲ اینچی
تراکتور رمید. نشانی خیابان فردوسی
مقابل دفتر مین نور الکتر و آهن تلفن ۹۶۷۸

۱۳۴۹۷-۲
۳-۲
اجاره داده میشود
بکباب عمارت نوساز سه طبقه دارای ۲۲ اطاق بزرگ با تمام لوازمات واقع در خیابان فردوسی نزدیک میدان مجسمه در برای ادارات دولتی یا سفارتخانه مناسب باشد - نیازندان تلفن شماره ۷۵۶۲ مراجعه فرمایند.

۱۳۶۳۸-۲
افتتاح ثانوی دولتی شماره ۹۶ در قسمت غرب طهران خیابان مسعودی (غوش) که اخیراً بنام دستور جناب آقای وزیر دارائی و حضرت آقای وتوق مدیر کل غله و نان کشور که توام با اقدام غیر خواهانه حضرت آقای مصاحب رئیس معمر اداره نان شهر که انصافاً از زمان تصدی مشارالیه باین سمت مهم که کاملاً جزئیات مصرف نان شهر را در اختیار داشته و مراقب بوده و مستند قدر دانی نمایم و ارمیتصدی ثانوی نامبرده که با رحمت طاقت فرسا ساختمان و افتتاح این ثانوی اقدام نمودند تشکرو از خداوند متعال سلامتی ذات اقدس علو کانه را مستلماً بنامیم.

۹۴۶۳۹-۲
عده زیادی از اهالی محل

داروخانه و عطاریای معتبر کشور
از این تاریخ قیمت و رفاه های طبی کارخانه و کتر مدار و بشرح زیر است:
۱- روغن ترچاک خوراکی سفید اعلا ۱ نیلو ۳۰ ریال
۲- باغامینین تدر اعلا ۱ ۲۵
۳- تلخ ۱ ۵۰
مدیر کارخانه دکتر مداوی ۱۳۵۸۰-۲

علی میتواند در بستر بنشیند. باز در اطرافش کتاب و قلم و دوات و کتابچه و ورق باره دیده میشد. سی و پنج روز از ابتدای ناخوشیش گذشته بود. هنوز ضعف داشت و دائم بریشیش هرق می نشست اما کوه مایش کم نم رنک میکرد و انگشتانش چندان قوی بود که بتواند با زبیط خوش شیوه خود چیزی بنویسد. در این ایام محمود درس عربی و فرانسه را تم کرده بود و غالباً بدین علی میرفت.

هیچ میدانی که در رختخواب افتادن و ناز کردن و شعر و کتاب خواندن هم اندازه ای دارد؟ درست سی و پنج روز است که در این اطاق خوش منظره جا گرم کرده ای. باید دم لم بدیده سیاتی ورق را مستطش کنی. مادام لاسال همیشه از حال تو میبرد، بر پروزمیکت که قرار بود علی هم مقاله ای بنویسد و بیاورد تا بیهنم که در چنته اش چیست.

بگذار ده دوازده روز دیگر بگذرد و چانی بکرم و از این اطاق بیرون بیایم آن وقت برای مادام لاسال مقاله ای بخواهم نوشت که حیرتش کند. محمود، هیچ میدانی که میخوانم حواله عشق را برای مادام لاسال طرح بدهم؟ رفیق، لایه در این چند هفته که من بیچاره در این کوفه افتاده ام در سها گرفته ای چنانکه خیر سراپا تصفیه دریا ختام مادام لاسال بچو بی نظر نیست. اصافا معلم فرانسه خوبی داریم، هم خوشگل و هم... یک هفته دیگر هم در این باب حرف زدی و لغتم و حلال هم میگویم که جواب ابلهان خاموشیت.

مادام لاسال و آن غزه و کرشه و فنج و دلال همه بتواروایی من نه بخیل و نه رقیب. تایتوایی از مادام لاسال درس فرانسه و عاقلی هردو بگیر و خوش باش اما جناب محمود فیلسوف باید خیال کند که من در این اطاق بی فکر و بی کار افتاده ام. از سه چهار روز پیش یادداشت های راجع به سفر آید را جمع آوری میکنم. به چو کی نخواهد شد، هنوز تمام نیست و فرقه دو سه هفته برایت میخواند.

از آتیا، حاضر است کمی بخوان تا بیهنم که چه در و پرتی

بیم بافته ای.

آثار پر گزین نویسنده این قرن را باید کم بگیری. از شوخی گذشته آتیا نوشته ام خیلی بد نیست اما باید بر سرش کار کنم حالا نمیتوانم یک خطم برایت بخواوم.

پس این مجبوره تلیم بیهنم را به بن تا بیهنم و بخواوم و معنی استادی و نویسنده کی را بیهنم.

بگذار تماش کن، وقتی که کامل شد آن را برای تو بخواوم خواند مجول باش، مگر نشنیده ای که انساخه من الشیطان. باید این هاشکار ادبی را روزی هر چه نصیحت برایت بخواوم و حق هر کس و هر جمله را ادا کنم تا بدانی که علی نیست و نویسنده کی چیست و این کار باز چه نیست.

علی را سرفه گرفت. صورتش مثل گل انار سرخ شده. بگر بر پشایی و لیش هرق شست و بقدر دو دقیقه خاموش ماند. در این میان سلیمان خان بختیار وارد شد و از شربتی که در کنار بستر هردی میز کوچک بود کمی باو داد. حال علی بیبا آمده و علی باز همین زبانی می نرد و می گفت و میخندید و شعر میخواند و مثل بی آورد. خوش بود و نکته نبود. شوخ و شفی بی اندازه داشت. کوئی بدین محمود و بخیال تالیف یادداشت های راجع به سفر آید جانی تازه گرفته بود. پوزم فی کوه های کپرنک گفتنچند نایان نبود. از دو چشم کنتکاش برق خوش و امید میبافت.

سرور و انساخه علی در آن روز با حالت ضعیف و مرطش هیچ متناصب نبود، علی چشم بصود دوخته بود اما نا نهان فقط بفر تایی ای چشم از او برداشت و بدالی خود چشک زد و گفت دوستی دارم بسیار و عزیز که میخواند چه از تمام شدن دوره تحصیلاتش بکسر برواقت و ده - داری پردازد و هردو باو میگویم که خوب است اول باهم بفرنگ برویم و پس از تکمیل تحصیلات و مطالعات بایران باییم از من حرف می پذیرد. اما دوستی ما با اندازه است که نمیتوانیم دور از هم زندگی کنیم یا او باید مرا در ایران نگاه دارد و یا من باید او را بخواهم و التماس بفرنگستان بفرم.

پیش از غروب خورشید محمود بدالی شاد و غم از خانه اندرونی دلکشای برهان المالک بیرون رفت. هوا خوب و خوشکوار و لیمی از آسمان بی ابر و بیه دیگر از ابرهای سیاه و صلب بهر از شکل و صورت پوینده بود. هم علی سرور بود و هم محمود و هم این انساخه فشنه آشنای طلب محبت خواه که از اینجور اطاق خود راه رفتن محمود را تاخا میکرد و هادمان و امیدار بدل نکته سنج افکاره فهم خود می - گفت که چنان نمیدانید که همه به سفر آید خواهیم رفت، هم علی خواهد بود و هم محمود و خوش خواهد گذشت و ...

موت!
HOGG!?

در این يك كلمه کوچک راز بزرگی نهفته است تغییرات کلی هو
ر و دگی شما ایجاد خواهد کرد بشرط اینکه شماره فردا را بخواهید.
(موسسه پ.ب.ت.) ۱۳۵۴۲-۲

آگهی شهر بانی کل کشور
چون در قسمتی از مسیر اتوبوسهای خط ۳۱ (خیابان شاه) شروع باسفات کاری شده لذا بنظر طرفه و آسایش مسافرین مربوطه تا اختتام باسفات کاری موقتاً مسیر اتوبوسهای مزبور از خیابان علایی و فروردین و نشاط که چندان با مسیر اصلی فاصله ندارد تعیین و برای اطلاع عموم بدین وسیله اعلام می گردد

۱۳۶۳۴-۲ رئیس شهر بانی کل کشور - سر ترب صفاری

پالتو دمی سزوف کتوشلوار
با بهترین درخت حاضر است با یکدفعه مراجعه مشتری دانی ما خواهد بود
ناصر خسرو جنب بانک صنعتی دهانه آمریکا
۱۳۶۲۲-۲

نواقص امر قدريس
زبان و ادبيات فارسی

و امتحانات نهائی آن
تقصیر فقط متوجہ دستگاہ تعلیم و تربیت است

-4-

۱۳۲۸ هـ شهر یور
 غلظت های املائی :
 شاگرد ممتازان را (مناظره) قدح را (قدح)
 تالیفات را (تعلیقات) عصیان را (اعصای)
 فصیح را (فصیح) مبدبر را (مبدبر) انشرا
 (نصر) انشرا (لفظ) مقببر را (مقببر) (بغیر)
 منسوب را (منسوب) (این) شمار بوی
 منسوب است) عصر را (اتر) تراوش را
 (طراوش) و بسا نظایر اینها می نویسند.
 اما معلومات ادبی و تاریخی و
 نیز اطلاعات کلی اوراق حفظ و زمان
 ملل مختلف از چندین جمله ای که در
 زیر نقل میگرد و تا حدی معلوم میشود.
 «نصر در دوره ساسانی - بعضی
 دانشمندان را عقیده بر اینست که زبان
 از هندوستان بایران طراوش در آمد»
 دیگری می نویسند :
 «میگویند زبان بهلولی در اثن
 ساسانی ۷۰ کتاب نوشته اولی این
 کتابها در نبره اسکندر مقدونی از

پن رفته است
دیگری میگوید :
« میدان را معمول ارد نه
دلیل کار بلاش را تعقیب کننده و برزله
مستحانی افروخته بنام باز نه »
دیگری میگوید :
« زبان اوستاد راج بود تا قوم
زده آمدند و زبان ایرانیها به زبان
زده تاسیس شد »
دیگری میگوید :
« اوستا نه بوسیله پیغمبر ایرانی
آمده یکی از زبانهای است که در
پیش از اسلام معمول بوده خطاوستا
از تکمیل ترین خط ماست »
دیگری میگوید :
« زبان پارسی باستان زبان دوره
دهخامشی است و از قدیم ترین زبان
های قوم ایرانی بوده و متعلق به
هزار سال قبل است و آثار او کارنامه
اردشیر بابکان »
دیگری میگوید :
« از تنب بهلوی قبل از اسلام
نه بزبان سانسکریت موجود است
مقداری از کتیبه های شوش است »
دیگری میگوید :

«دیگراز کتابهای ادبی در زبان
قبل از اسلام کتابهای مغانشی یا
فرس قدیم استکه تنبیه های بیستون
بدان نگاشته شده و از آثار زبان
پهلوی کارنامه و خداینامه و دیگر
خط میخی بوده»
دیگری مینویسد :
«اوستا که پیغمبران زده است
از آنجا ظهور کرده»
دیگری مینویسد :
«قوم ماد مغلوب پارسی ها
گشتند و سلسله مغانشنی را که بزرگ
ترین سلسله مادی شاهنشاهی ایران
بود تشکیل دادند»
دیگری مینویسد :
«زبان های قبل از اسلام ایران
صارت اند از پهلوی . اوستایی . عبری
رومی . عربی . ترک . چکواسلواکی .
بنغاری . چینی . منمو . اروابومی و سایر
زبانهای اروپایی»

داروخانه نشاط

احتیاج به دو تن کمک داروساز
کار آزموده دارد خیابان دروازه قزوین
۱۳۵۷۹-آ ۲-۱

یکی از مقدس ترین کاری که
 نف بینان آید آبادی عام میسر انداخته
 اشخاص جهت بدست آوردن رودی از
 راه مشروع
 ۱۳۵۲۷-آ

اینک برای ما با این طرف و آن طرف نوشتن این داوطلبان یکی از بویای های سؤال تحول نظم و اثر کیفیت نظم و اثر دوروره سامانیان آن چرند شاعر و چند تنه از آثار آن دوره) و یک اشاء دوموضوع برای بقوت مکرر نوشتن و قوت برای چهل و چون) موضوع امتحان مرداد ۲۸ برای نمونه نقل میشود:

«س از غلبه عرب بر عجم و تسلط
ماهری آنها بتمام شئون سیاسی و
جتهای و ادبی ایران مملکت ایران
اجاییکه مقدر بود خودشان را
نفرود و تسلط حقیقی و باطنی خصوصا
لفظ ادبیات خود اقامات و مجاهدتهای
مودند بقیسی که در برابر آنها
برای آنها بوده که صاحب قلم و معلومات
شیر و ادبی مانند او بولی سینا و فارابی
نمی بود ظهور نموده و موجب اختصار
گردید

در اواسط حکومت هرب طرز
پسندندی وسبک آن کاملاً تغییر یافت
بدین معنی که برای توصیف و بیان
موضوع بقدری الفاظ و کلمات مترادف
و متضاد استعمال نمینمودند که فارسی
و اقوام مشرق بسیار لوجیک و مقتصری
پسندیدند و بیکه شاخ و برگ میدادند یعنی بن
وق کافه میرسید این سبک نوسندگی
هم در ایران آن عصر اثر کرده و بتقلید
و تها شروع کرده در مکتوبات خود
سخت میدان دادن و همین عمل سبب
شد که لغات هرب و ارد زبان فارسی
نمود زیرا زبان فارسی پانزده زبان
هرب و سست داشت برای اینکه موثق
استعمال لغات مترادف و متضاد خود
سخت بدامن لغات هرب بدیعین نبود
لغات خود را از هرب ماره و ترغ و
بیون امر بقدری هایم شد که در یک
یون زبان فارسی یکلی مغلوب لغات
هرب دردتا آنکه در اواخر سلجوقیان
تیموریان بواسطه ظهور نو پسندگان
بهری می مانند صدی و حافظ و غیره
جلوی این سبک را گرفته و بدین
طریق مانع از ورود لغات سیل آسای
هرب بران فارسی شدند .

دراواخر ایندوره بزرگان و
اوسندگانی ظهور کردند و در فنون
مختلفه تالیفاتی از خود به یادگار
گذاشته اند مانند شب المعجوب (اسرار
وحیدی فی مقامات فریخ بن سعید) تذکره
ریاض طهارتین الاخیار و غیره که هر
یک دامن فنون تازه را برافشایند نمودند.

«همچنانکه خدا بآدمی زمین را
فضای لایتمای پرتاب کرد بشر را
و سروشت خود آنگه از نظری
بیکره غامی بیافکنیم و او را مانند
قوتی از خاطر بگشاییم خواهیم
فردی از این جهان درجهل و تاریکی
بوسیله ویر بود و هر کسی بنویه خود
با اراده قوی بهترین آثار از خود
باقی گذاشته و بشر را و انعام را
گروه بیتی دولتهای قدیم نه سرا
و فشار و دارای آزادی افکار نبوده
و مانند و لتر. نه درین جهل تاریکی
و زیر بنه های جهل و نادانی
دولت خود گرفتار بود بازمی راسخ
و اراده قوی جهان امروزی را بدر
فضای قوی که ما امروز از ثمرات
آن بهره مند شویم.

امروزه مالک بزرگ عالم دارای
ندارسی و مجالسی برای قوای روحی
هستند که افراد آنها دارای اراده
قوی نه رای بی قوت که منجر بسکرو
فسون یا فقط قوت بی اراده که منجر
بجبل و جنون و بی سیاستی شود اینها
را پرتگاه بیستی سوق دهد»

- ११ -

اینها هیتلر را میبرسیدند و عقیده داشتند که دستورات او رایانه چون رچرا باجرا گذاشت زیرا نجات آلمان و برتری ملت آلمان بر شورویها متوقف بر همین انحصار است و هر کس بخواند برای آلمان فدا کند باید دستورات هیتلر را انجام دهد.

همین‌طور که بعدها استنباط شد دستور هیتلر باین سفر پرخطر زده بود او امر پیشوارا را نمود و به‌خصوص این نکته را که وی گفته برقیتمی است که کسی نباید از این دستور باخبر شود تا آخرین لحظه ، حتی مرگ هیتلر نیز فراموش نکرد .

هس در انگلستان در آلمان در دادگاه نورمبرگ بعد از مرگ هیتلر
چپسکس حرفی درباره ماموریتش نزد همپنین نداشتند و وی خود-
دست باینگار زده است .

اگرچہ این بود ، روهلف هس ، وزیر مطبوعه ، مرد حزبی فداکار ، فداکار آلمان با چه جرأتی بوزارت خارجه و دولت انگلستان مراجع تبلیغ میکرد و باچه اختیاری درخصوص تقسیم قاره های دنیا و وضع لشوهرهای اروپائی و خاورمیانه با نا پتنده وزارت خارجه انگلستان سیاست میشد ۱۱

تاریخ چنین قضاوت میکند که این سفر و ملاک‌ها هم با مقاصد
آن به‌طور خیلی صورت دشوار است و هیتلر مقاصد مهمی از این
مقاصد داشت زیرا او آن‌وقت هم در آن‌روزها که آلمان خود را برای حمله به‌کشور
فرانسه آماده می‌کرد قصد داشت هر چه زودتر بر سپاهیان روس
تأکید می‌کرد که خیال نبوده.

آلمان میخواست از جانب غرب خیالی آسوده باشد و از آنکه در فراغت یابد و بعد با تمام قوا متوجه شوروی گردد و برای این مقصود، بهترین راه صلح با انگلستان و عقد قرارداد دوستی شور بود.

هیتلر به خواست همانطوریکه باروسیه قرارداد بست و بفخر حمله
این بار با دولت انگلستان تدارک بر روسیه حمله کند و پیش خود
کرده بود نه باین مقصود خواهد رسید .

درباره روزی که رودانی من پاکستان رفت، از پاکستان فراموش
 د ولت در زیر باران هریابهای آلمان به ستوه در آمده بود
 و او به « یعنی نیروی هوایی آلمان «کاتر» را میگوید و
 در هر کسبج نظامی انگلستان در برابر حملات هواپیماهای نازی
 شده بود.

هیتلر در چنین فرصتی که انگلستان در آفریقا و بالکان شکست
و در لندن امنیت افزایش یافت، وزارت خارجه اش تقاضای
کرد و بقول خود امدهوار بود که انگلستان شیفته و منکوب و
و ناتوان، باید این پیشنهادات را بپذیرد و ملاحظه تهدیدات
هم خواهد شد و خود را برای قبول صلح هراتشند حاضر
کرد.

در آن نوع که انگلستان، يك جزيره كوچك و گرسنه و ويران
بر يك قاره مسلح و صدها تحت البعري تنها مانده بود، رودلف
اگر انگلستان رفت.

همه حدس میزدند که او موفق خواهد شد و با پیروزی همراهت
 نمود؛ ولی انگلستان، انگلستان گفته کار و مقاومت و مسوودر آخرین
 مرگ را برتعلیم ترجیح داد و زهر بار این بیفتاهادات رفت
 که بارتیک از نزد رودلنسی خارج شد و در زندان بروی وی
 کردند و دیگر وزیر سوم آلمان، تا آخر چنگ هر قیامه خشن
 جیش، جیش شخصیت الکسیس، بیاتاند.

رودم ماژورن، رودلف هس خستو مایوس نا ژیر شد، بروس
تایان اعراض کنه یادداشت شدیدی برای وزارت خارجه انگلستان
د واز اینکه باوی مانتد بیکر تدایی رفتار هده اسد شکایت کرد .

وزیر امور خارجه حزب محافظه کار، اظهاراتی در این زمینه در
ن کرده که برای او ویتلر و کسانی که انتظاراتی از این سفر داشتند،
باستفاد.

این در آن جلسه گفت: «برای انگلستان هیچ صورتی ممکن
نمی‌باشد که در آن شرایط که باید با این دولت تازی
مت آلمان بنماید و در اطراف صلح با آنها داخل گفتگو شود. از
رو رودلف هس با انگلستان تا بحال، با وی بصورت یک زندانی
شده است و این روش تا پایان جنگ در باره او ادامه خواهد
داشت.»

ایمن راست میگفت: تا پایان جنگ مانند یک زندانی و بعد از جنگ
یک جنایتکار باهش معامله شد...

55T

تعداد ۵۰۰۰ جلد پوست بره خراسان درایار بانک ملی ایران شعبه
برای فروش بطور مزایده موجود است .
مدربان شرکت مزایده میتوانند با مراجعه باین شعبه وملاحظه
های پیشنهادات خودهارا بیدار از این شعبه تسلیم نمایند تادرموقعیکه
فهی غرضهدهست بپرت از پیشنهادت مقررین بفره بدهد
لازم اتخاذ شود .
بانک ملی ایران شعبه بازار

1360-7

5-1

اسامی بزرگان جوانان ۱۳۲۸ سالنامه پاریس
در اعلانات رنگی و قبضی های قبل از انتشار سالنامه ۱۳۲۹ طبع شده است
کامجویی و کامیابی یا خواستن و توانستن بدون داشتن گمانی است بویژه از دست و گمانیکه هر
چستجوی خوشبختی و خواستار بهبود زندگی هستند باید بداند که هزارراه داشتن و هنر باین بند پای نی توانی
رسید و هرچند بدان شکش جز این دو بکار نیاید و گوهر آذیت جز بدین دو هویدا نشود .
بهن کشور برامیه ما بگردانی نیازمند است که درخشانگی باستانی آفراتازه کند و خود در پرمی
نژاد جهانگیر آبیاسانه . این فرمندی و سر بلندی بهت بهت رهنمون های دانش و هنر است که خواه کوچک یا
بزرگ ، او یا کینه ، روزنامه یا سالنامه باشد باید از آنها بهره گرفت.

سالنامه پارس ۲۵ سال است برای خدمت بهمیهنای عزیز و نسلهای آینده منظم و بدون وقفه، اول اسفند هر سال مانند بهترین راهنمای زندگی منتشر گردیده است و خوانندگان گرامی خوب تشخیص داده اند که با تهیه بدلهای خود تفاوت محسوس و امتیاز مخصوص دارد.

در این سال که بیست و پنجمین سال انتشار است توریه آن بیست و پنجمین سال به وسیله دانشمندان و دانشمندان ما به استقامت و با اعتماد و بیاض معنوی ما اجازه دهیم موجبات رضایت خاطر مقررین محترم را فراهم خواهیم داشت.

ترویج مطلوبات خوب و مفید و تشویق مؤلفین و نویسندگان آنها موجب تحسین فرهنگ و تأمین سعادت اجتماع است.

مرکز فروش شهر تهران - شاه آباد کتابخانه زوار وادب
 نمایندگان شهرستانها مستقیماً بدفتر سالنامه پارس مراجعه کنند
 «دفتر سالنامه پارس»
 ۱۳۶۲۲-آ

هیلمن جدید

HILLMAN MINX

مشکل پسندان جهان

هیلمن را می پسندند زیرا کم مصرف - بادوام و ارزان است

1348

قابل توجه یزندگان محترم
 هی پریمیالین ۹۶ ساعتہ کونز (CUTTER) با سرنک مخصوص
 کہ با جدید ترین ترکیبات و آخرین متد بهداشتی تهیه شده وارد شد.
 ہی پرسین کونز از حیث تاثیر و قیمت غیر قابل رقابت است.
 نمایندہ انحصاری : شرکت بازرسانی (پ.کا) مر دزروش ، بنگاه دارومی دشریری ناصر عس
 مقابل وزارت دارائی ۳-۱ ۱۳۵۸۳-آ (آ کہی ازب ت آ)

د اکسین ز کام و سر ما خور د گی
(CUTTER (M.V.R.I.)
که مدت زیادی از میتلا شدن به سرما خوردگی جلوگیری و سخت زکام و
سرما خوردگی را معالجه می نمایند و در نتیجه حسن تأثیر و استقبال عموم مدتی ناباب
شده بود مجدداً وارد شد . نماینده انحصاری .
شرکت بازرگانی ب. کا. مرکز فروش بنگاه دارویی دکتر بری . ناصر خسرو مقابل وزارت هارام
۴۴۸۴-آ ۲-۲ آبی از . ب ، آ

آقایان معتادین بتریاك و شیرہ
 شماکہ از قسط استیصال نامہ سرگشادہ بحضور ملوکانہ تقدیم نمودہ اید او
 موقعیت استفادہ نمایند زیرا داروخانہ دکتر جاوید تعہد مینماید کہ با آن صرک تریاک
 جاوید ہر معتادی را در مدت کم از اعتیاد بتریاک و شیرہ نجات دہد
 داروخانہ دکن جاوید، چارہارہ سن آباد اول خانہ پور و سایر داروخانہ ہا
 (ب.ت.آ)
 ۱۳۵۳۶-۲

کے پیشل مسیون و پیشل مورگان ۱۶۶۲۳۲ - ۱۶۶۲۳۳

بسم الله الرحمن الرحيم

امشب سمنهات و دل در گتو بن شاهکار (فارسی لا) داشته

قبل از غرید جای مارکهای قاسمی و سیران را از

مرد شيرين که از فراي چرخهاي گلاس بهره مند شد
بشارهاي نفتي پوزابل گلن که نوزاد تخمين بازنه گلاس باشد و وارث
نمايه اخلاقي در اين شرکت سهامی بازرگانی آرين سرای خان
برای خرید بفرستگان محصولات گلن مراجعه فرمائيد:



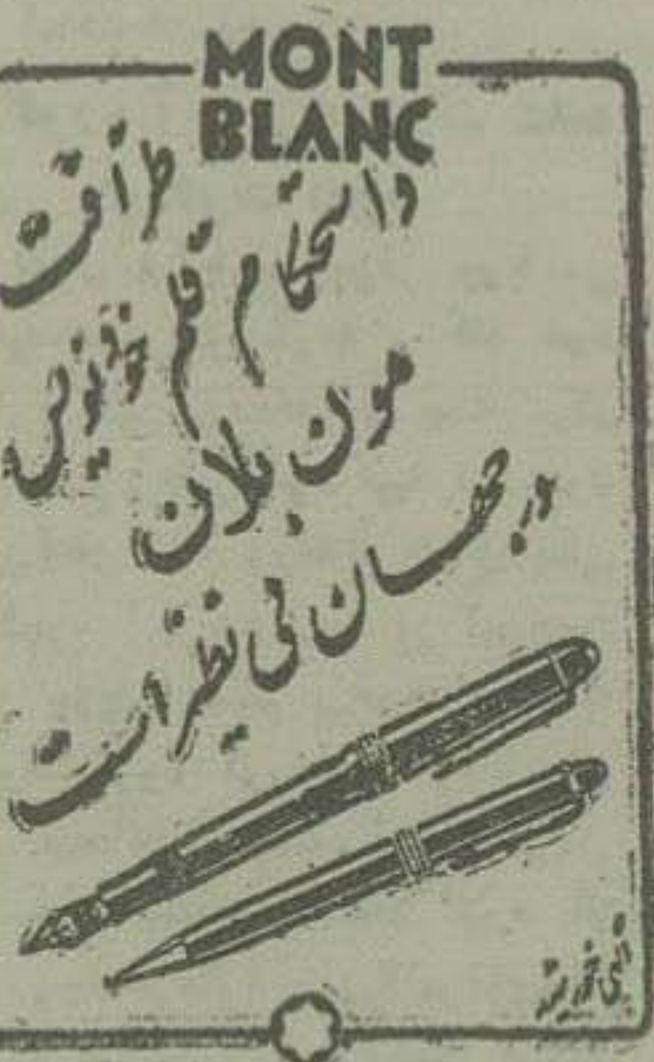
Coleman

نشانی شرکت - تهران سرای حافظ تلفن ۴۴۳۴

SALVITAE سالیوایطه علاج قطعی روماتیسم
 سمیاتیك - دردهای استخوان و مفاصل - بیماریهای
 کلیه و کبد - سوء عاضیه و فشار خون

۱۲۷۹۲-۲

MONT BLANC
 «استحکام قلم و تفکر»
 مون بلان
 هر چنان که نظر است



(نماینده انحصاری خیابان
 بوذرجمهری سرای صفاری
 تجارخانه مرتضی صاهقی
 و برادر) از شهرستانها نمایندگی میدیریم
 فروشنده کان: بازار ترمین منسوری
 ساکتی خیابان نادری نمازخانه نسیمی

۱۲۸۴۴-۲

دعوت می‌نماید به شرکت در جشن
ولکان
 در کلیت
 یک شام زنگ و یک شام
 می‌دهیم

VULCAIN



کارخانه ساعت سازی ولکان
 از کارخانجات در یک شام
 فروش: کالای نویسنه - خیابان
 اسلامبول - تهران

۷۷۴۸۸-۲

گزارش آقای پل وانزلاند راجع باسکناس و ارز

بقیه از صفحه سوم

بر خواهد داشت.
 اما در مورد لیره هائیکه از فروش ریالهای مورد نیاز شرکت نفت
 در ایران بدست می‌آید منطقی بنظر می‌رسد که آنرا بصورت ورود کالا
 تخصیص باید تا کالاهای مزبور در داخله بمرش فروش گذارده شده و
 موجبات بر گشت ریالهایی را که موقتا انتشار یافته بده فراهم سازد.
 چنین سیاستی این مزیت را خواهد داشت که رابطه عرضه و تقاضای ریال
 یعنی در حقیقت نرخ طبیعی ارز را از تأثیرات مصنوعی مصون خواهد داشت
 ۰۰۰

اگر نرخ ریال را نسبت بلیره و دلار در نظر بگیرند در همان نظر
 اول از ثبات احتمالی آن متعجب خواهند شد.
 تغییرات نرخ در ده سال اخیر

لیره	دلار	دلار
۳۸۳۷۱	۸۰۰۰	۱۶۶۱
۳۸۳۷۱	۸۰۰۰	۱۶۶۱
۴۹-۳۰	۷۷۲۰	۱۸۳۴۳۹
۴۰-۴۱	۶۵۶۴	۱۷۱۱۳۳
۴۱-۴۲	۱۰۳۸۰	۲۵۸۲
۴۲-۴۳	۱۳۱۷۵	۳۲۹۴(۲)
۴۳-۴۴	۱۳۰	۳۲۹۵

(۱) نرخ رسمی ریال نسبت بلیره در ماه مه ۱۹۴۲ (۱۳۸۰) (خرید)
 و ۱۳۰ (فروش) ترقی داده شد.

(۲) نرخ رسمی ریال ب دلار در ماه سال ۱۹۴۲ (۱۳۸۰) (خرید)
 ترقی داده شد.

۴۴-۴۵	۴۵-۴۶	۴۶-۴۷	۴۷-۴۸
۱۳۰	۱۳۰	۱۳۰	۱۳۰
۳۲۵۰	۳۲۵۰	۳۲۵۰	۳۲۵۰
۳۰۸	۳۰۸	۳۰۸	۳۰۸
۳۰۸	۳۰۸	۳۰۸	۳۰۸

شاخص رسمی نازل ریال نسبت ب دلار قبل از جنگ یکبره می‌باشد
 اینکه این شاخص را با شاخص های دیگر که سابقا در نمودیم مقایسه
 می‌نمایم. افزایش ظاهری قیمتها ۱۰ - دستبازها ۱۰ تا ۱۳ میزان جریان
 اسکناس ۱۱.

ولی البته نباید جریان بازار آزاد را کاملاً از نظر دور داشت. در
 بازار آزاد در ژوئن سال ۴۹ ب دلار مطابق ۴۹۵۰ ریال بود (شاخص
 نازل ۲۶) و یک لیره مساوی ۲۰۰ ریال (شاخص نازل ۲۵)

ناچار باید تصدیق کرد که اکنون بین قدرت خرید خارجی و داخلی
 ریال عدم تساوی برپاست و وجود دارد در نتیجه مقادیر نظری ارز که از
 دو جنبه هاید سابقا در تصمیم و در اختیار مقاماتی که سیاست ارزی
 کشور را درست دارند قرار می‌گیرد. قدرت مقامات نامبرده بعدی می
 رسد که می‌توانند هر اثری را که مقتضی بداند به بازار تحویل
 نمایند و هر چه سیاست وارداتی کشور از نظر تصمیمات مؤثر تر
 می‌گردد باشد اثر آن در تصمیمات ارزی این مقامات مؤثر تر
 خواهد بود.

هرمقی که در دست خود از یکطرف توانایی تقیل یا تجدید
 واردات را داشته باشد و از طرف دیگر مقدار مهمی ارز که در فوق بیان
 اشاره شد در اختیار گرفته باشد می‌تواند بیل خود برابری ریال را در
 مقابل دلار بپایای می‌نماید.

مسئله‌ای که باید طرح برداشت به بدانی درجه پایای باید
 توقف کرد.

آیا نرخ فعلی خوب انتخاب شده است یا نرخ دیگری باید در نظر
 گرفت؟ در صورت اخیر دلایل آن چیست؟

ولی چنانچه قاعده مذکور در فوق صحیح باشد معذک در اجرای
 آن بایستی نهایت حزم و احتیاط را رعایت کرد. مسلم است که بنیه
 اقتصادی کشور ایجاب می‌نماید که شاخص قیمت ها و بودجه تقیل
 داده شود.

دولت سیاست هائیکه ای در باب تقیل قیمتها تعقیب می‌نماید. بعضی از
 قیمتهای فعلی بطور مبالغه آمیزی بالا است و ترقی مزبور معلول حل موقتی
 است از قبیل سفته بازی روی غیر متعادل و عدم وجود سازمان برای بازار بعضی
 از محصولات در هر (سبزیجات و میوه جات و لبنیات) یا بطور بهره برداری
 از بعضی صنایع که اداره آن در دست دولت است.

باین ترتیب در مارس ۱۹۴۹ شاخص خوراک ۱۰۲۳ شاخص لایه
 خانه ۱۴۶۷ نسبت به سال ۱۹۳۶-۳۷ می‌باشد (شاخص کل ۹۸۹۹).

اولین ملاحظه کلی اینست که اقتصاد دارد بین قیمتها و مقدار پول
 در جریان و دستورها و هزینه های بودجه با نرخ ارز موازنه شبیه آنچه
 در دوره هادی قبل از جنگ شرحی که گذشت وجود داشته بر قرار
 گردد مگر اینکه در شرایط اساسی فعالیت های داخلی و خارجی کشور
 تغییراتی حاصل شود.

از طرف دیگر باینکه شاخص کل عمده فروشی در مارس ۱۹۴۹
 نسبت به سال ۱۹۳۶-۳۷ که ماخذ همان ۱۰۰ است ۷۱۲ بوده شاخص
 کالاهای تولید و مصرف شده در کشور (باستانی خوراک) ۷۶۵ بوده است
 میتوان امیدوار بود که با پیروی از سیاست مناسب و اقل تا حدودی
 بتنزل سطح قیمتها در ایران موفق گردند.

از طرف دیگر همانطوری که در فوق ذکر کردیم در سیاست بودجه
 باید دقیقاً تجدید نظر بعمل آید عمده کارمندان دولت بجزان قبل از جنگ
 تقیل باید.

تعداد زیادی از پستها جدا معذور شود و درین حال تدابیر جدی
 برای وصول درآمد ها اتخاذ شود.

بنابراین اگر بخواهیم شاخص فعلی تنزل بولاریا یا سایر شاخصها که
 در فوق ذکر شد مقایسه نموده و آنرا بپایه یکبره برگردانیم بی‌موت و مینی
 برانته خواهد بود.

از طرف دیگر اوضاعی که در خارج ایران حکم فرماست احتیاط و
 صبر زیاد را ایجاب می‌نماید.

آنگاه بطور تعین می‌توان استنباط نمود اینست که بر اثر جنگ
 قیمت های که بر اساس طلا تعیین شده بیک نسبتی که البته قابل
 تردید و بحث بوده و تعیین آن مشکل است تغییر نموده است و این
 تغییر مزبور باید چندان تفاوتی با شاخص ۲ داشته باشد باین دیگر
 قیمت های که بر اساس طلا بپایه تعیین شده است تعیین دو برابر
 گردیده است.

بنابر این شاخص ارز را که بشرح فوق تعیین نموده ایم چنانچه
 بخواهیم بنظر مقایسه با مواد مربوط پیش از جنگ بکار برده بایستی نظراً
 در دو ضرب کنیم.

استدلالاتی نظیر آنچه بالا می‌گفتیم بایستی با احتیاط تلقی



کارخانه های امریکائی در فلسطین کارخانه اتومبیل سازی تأسیس میکنند

سفارت لبنان در قاهره بوزارت امور خارجه مصر اطلاع داد که
 یکی دو کارخانه اتومبیل سازی امریکائی تصمیم گرفته اند در فلسطین شعبه
 دایر کنند.

این شعبه ها کلیه وسایل لازماً برای ساختن اتومبیل خواهد داشت
 و باین اقدام دولت اسرائیل بوقیقت اقتصادی بزرگی نایل خواهد شد.
 سفارت لبنان از دولت مصر تقاضا کرد که با همکاری کلیه دول عربی
 از کارخانه های امریکائی تقاضا کند از ایجاد شعبه در فلسطین خودداری
 نمایند و در صورتیکه کارخانجات امریکائی از تصمیم خود منصرف نشوند
 دول عربی خریداری امتعه امریکائی را تحریم کنند.

در یادداشت سفارت لبنان تصریح شده که تأسیس کارخانه اتومبیل
 سازی در فلسطین نداشته از آنکه سیاست دول عربی که می‌خواهند هر چه
 بیشتر از توسعه اقتصادی اسرائیل جلو گیری کنند لطمه می‌زند در صورت
 لزوم می‌توان این کارخانه های اتومبیل سازی را بکارخانجات اسلحه سازی
 مبدل نمود و از این راه نیز خطر بزرگی متوجه ملل عرب می‌گردد.

**امریکا و انگلیس می‌کشند در خاور میانه
 یک جبهه متحد نیرومند بوجود آورند
 مسافرت رؤسای ممالک خاور میانه باروفا
 و امریکا برای مذاکرات مهمانه**

در این موضوع است
 دمشق - متکلیفیکه با دعوت افغانستان مازم اروپا به تاجیک خود
 را معالجه کند. چند نفر از وزیران و رجال مؤثر افغانستان نیز در التزام
 رکاب پادشاه بودند.

همراه بودن این اشخاص نشان می‌دهد که این سفر فقط یک مسافرت
 خصوصی و شخصی نمی‌باشد معالمت مقام دمشق دارند که اقدام
 بشکل یک جبهه اتحاد دفاعی شامل ایران و افغانستان و بعضی ممالک
 دیگر خاور میانه باو دیسگر تجدید شده است و مسافرت پادشاه افغانستان
 به اروپا و نیز مسافرت شاهنشاه ایران بامریکا با این نقشه مرتبط
 می‌باشد غیرهائی که از لندن رسیده اند می‌است که دو دولت امریکا و انگلیس
 خاور میانه را بدو منطقه نفوذ تقسیم کرده اند.

مسافرت رؤسای ممالک خاور میانه بلند و واهنگن برای مذاکرات
 مهمانه ای است که ضمناً میزان قدرت نظامی هر کشور و سهمی که در
 مبارزه برضد دولیسم خواهد داشت در این مذاکرات مطرح خواهد
 گردید.

کمیسیون پس از استقرار در چین از یک طرف از چین بطرف جنوب
 آسیا و از طرف دیگر از بالکان و تفکار بطرف جنوب غربی این قاره پیشروی
 خواهد کرد.

بدین لحاظ است که امریکا و انگلستان ناچار هستند بمالک خاور
 میانه توجه بیشتری داشته باشند.

اقداماتی که بنظر امریکا و انگلیس باید بمنظور جلو گیری از
 پیشرفت کمیونسم انجام گیرد عبارت است از:

۱- انعقاد یک پیمان مهمانه میان دول جنوب آسیا و خاور میانه
 برای جلو گیری از نفوذ کمیونسم و مبارزه بامرام مغرب انقلابی.
 ۲- بنظر مسائل امریکائی خاور میانه مسئله فلسطین و اختلاف
 میان عرب و یهود سد بزرگی در راه اتحاد ملل خاور میانه است و نمی
 ندارد یک اتحاد نظامی کامل و عمومی میان کلیه دول خاور میانه
 بوجود آید.

۳- یک چیز دیگر که مساعی امریکا و انگلیس را در راه متحد
 ساختن کلیه دول خاور میانه غشی میکند وجود یک عمده عامل طرفداران
 دول است که جمعی از آن ها متبایل سیاست امریکا و جمعی متبایل
 سیاست بریتانیا هستند و تا موقعیکه وجه نظر این افراد در یک راه نیافتد
 فعالیتها و مساعی که برای ایجاد یک جبهه بسیار نیرومند در خاور میانه انجام
 می‌شود بدون نتیجه خواهد بود.

اتومبیل هفتم سرگندشت جالب توجهی دارد
 هنوز شاید مردان سالخورده ای در گوشه و کنار انگلستان باشند
 که به خاطر دارند هر موقم اتومبیل در خیابان حرکت می‌کرد یکنفر اسب
 سوار که پرچم قرمزی در دست داشت پیشاپیش اتومبیل اسب میراند تا
 مردم را از راه بر کنار سازد و از بروز خطر جلو گیری کند.
 اتومبیل آن روزها فقط ساعتی ۵ میل سرعت داشت یعنی سرعت اتومبیل
 از سرعت اسب کمتر بود.

اتومبیل های آنروز مانند لکوموتیو با قوه فشار حرکت می‌لرزد و
 چون جاده ها ناصاف بود نمی‌توانست سرعت زیادی داشته باشد.
 در سال ۱۸۹۶ بود که پارلمان انگلستان در یک جلسه که احصاسات
 ترقیخواهانه نمایندگان بهیچان آمده بود قانون سابق را که احتیاج بایستی
 یکنفر اسب سوار با پرچم سرخ پیشاپیش اتومبیل در حرکت باشد
 لغو نمودند.

در همان سال بود که موتور یا سیستم احتراق داخلی قدم بهرجه
 وجود نهاد و کارخانجات اروپا و امریکا در صد برآمدند این نوع موتور
 را در اتومبیل نصب کردند تا هم وزن اتومبیل سبکتر و هم سرعت آن
 زیاده تر شود.

در اروپا کارخانه دیملر آلمانی و بنهارد در اتومبیل های تازه ای
 درست کردند.

در امریکا هاروی فورد مشهور اصلاحات مهمی در ساختن اتومبیل
 بعمل آورد و از استادان خود که اتومبیل سازهای انگلیسی بودند خیلی
 جلوتر افتاد.

ولی باز هم تا سال ۱۸۹۸ اتومبیل یکی از وسایل تفریح و گردش
 بود و هنوز آقدر فراوان ساده و ارزان شده بود که بتواند در حمل
 و نقل مسافر و بار نقش مؤثری را بپوشد.

تا اوایل قرن بیستم وقتی تا سال ۱۹۱۰ فسیکه می‌خواست اتومبیل
 داشته باشد بایستی یک راننده متخصص استخدام کند که از فنون مکانیک
 مطلع باشد.

بعلاوه سواری اتومبیل هم تا حدی خطرناک بود ولی تا لبنان از
 سال ۱۹۱۰ اتومبیل بمرتب حیرت آوری پیشرفت نمود بطوریکه در
 سال ۱۹۲۰ پتی در فاصله ده سال آقدر عمومی شد که ممالک شرق هم
 عرصه جولان این مرکب می‌نمودند.

بعلاوه سواری اتومبیل هم تا حدی خطرناک بود ولی تا لبنان از
 سال ۱۹۱۰ اتومبیل بمرتب حیرت آوری پیشرفت نمود بطوریکه در
 سال ۱۹۲۰ پتی در فاصله ده سال آقدر عمومی شد که ممالک شرق هم
 عرصه جولان این مرکب می‌نمودند.



انعکاس افکار و نظریات عمومی

دکتر سیروس قلابی

آقای علی گل محمدی می نویسد
صدای دکتر سیروس قلابی مطلب
خود را در خیابان مولوی نرسیده
پارچه سعادت دانه لوده و مشغول
طبیعت است و معلوم نیست نامبرده که
در دوا سر بر نهاده و دست تعقیب
است بیه مجرزه میباید تا بخواهد
و اسب و بکار سابق خود ادامه
میدهد.

برای ساختمان اراضی عباس آباد

نامه ای از طرف خانواده ایران
بادار رسیده و می نویسد:
مدنی است اراضی عباس آباد بین
افسران ارتش تقسیم شده ولی اغلب
آنان بابت عدم استطاعت مالی تاکنون
موفق به ساختن خانه برای خود
نشده اند.

از پیشگاه هاشم شاه خوانده اند
که اوامر ملوکانه صرف صدور باید
که بانکها وام برای ساختمان این
اراضی باغرا بیاورند و زمین های عباس
آباد داده و با قسط از حقوق آنان
کسر نمایند تا با موفقیت ساختمان خانه ای
برای خود پیشوند.

کشاورزان نجم آباد

کشاورزان نجم آباد نامی به
اداره فرستاده و طی آن دادخواهی
نموده اند که امسال دیگر نمیتوانند
زراعت کنند زیرا مستاجرین کل میوه اند
بسر و مساعده آنان را در عوض
مازاد و مالیات دولتی میدهند.

قاضای محصلین اعزامی بخارج
نامه ای از طرف محصلین اعزامی
بخارج به اداره رسیده است که طی آن
می نویسند معتمد ۱۵ روز است وزارت
فرهنگ میروم و آیم هنوز وسائل
حرکت ما بخارج از طرف وزارت
فرهنگ فراهم نشده است و اکنون دو
ماه از ان تمهیدی نگذرد. غایت است
آقای وزیر فرهنگ و رئیس اداره
تعلیمات عالی باین موضوع توجه
نورده و زود تر وسائل اعزام محصلین
بخارج را فراهم آورند.

قابل توجه وزارت دارائی

مالکین فربه در دهت خرابه واقع
در خیال شرفی تهران خرسی نوشته
شکایت میکنند که از طرف وزارت
دارائی دودستگاه تراکتور گذاشته
و زمینهای ملکی و متصرفی چندین ساله
آنها را به قسمتی موقوفه است ششم
مینمایند.

ورزشکاران همدان را در پیاید

نامه مفصلی با مضامین عده زیادی
از همدان باداره رسیده که طی آن
اظهار بوض و ورزش و ورزشکاران
در همدان نموده و می نویسند مدتهاست
شهر تاریخی همدان که دارای سابقه
ورزشی ممتاز بوده در این عرصه توجه
اولیاء مسئول تربیت بدنی نشده
هر گونه وسائل و محل ورزش شده
است.

صرف نظر از اینکه اداره تربیت
بدنی همدان هیچگونه اقدام موثری
در خصوص اعزام ورزشکاران بعمل
نیاورده و آنانرا که خود را با هزاران
مشکلات برای شرکت در مسابقات
حاضر نموده بودند بهانه های مختلف
از اعزام آنان خودداری و فقط چند
فر از کشتی ایران را با قاضای اسرار
زیاد بر سر اعزام هنوز هرینه سفر
آنان پرداخته نشده و هر چه بآن اداره
مراجعه می نمایند جواب منفی میشوند.
در خانه ورزشکاران همدان
نویسند قاضای مازا اولیاء مسئول این
است که راهها و سربستی برای
اداره امور ورزشی این شهرستان
انتخاب کرده و زمین برای فوتبال
تسبیح کرده و وسائل ورزش های
دیگر فراهم نمود و همه این تقاضاها
با وجود یکساله تربیت بدنی این
شهر انجام آن مقصور و میسر است.

آگهی شهربانی کل کشور

فر تعقیب آگهی شماره ۱۱۰۵ مورخه ۲۸/۷/۲۸ در بهر بهر
صدور اجازه کار برای اتومبیل های تاکسی و برای افسار میشود علت صدور
دستور جلوگیری از افزایش تعداد اتومبیل های تاکسی و برای بوده که
از حد صواب تجاوز و برخلاف کنشایش شهر موجب مزاحمت گردیده و نظر
باینکه عده از اتومبیل های مذکور طبعاً در ظرف این مدت اسقاط و از ردیف
وسایط نقلیه حاضر بکارج خارج شده و نیز بقرار اطلاع ختمیه میشود که عده
استفاده و واسطه شده و افساس بی اطلاع را اغفال و با پرداخت وجه از
اجازه اتومبیل های تاکسی و برای برای اتومبیل های تاکسی و برای برای
اتومبیل های منظوره استفاده نمیشانند لذا به بنویسید با اطلاع عموم میسراند
که چنانچه افساسی قصد داشته باشند اتومبیل را بیای تاکسی یا برای
فرسوده نداشته و برای اتومبیل جدید تقاضای اجازه کار نمایند میتوانند
مستقیماً بفرمانی مراجعه نمایند طبیعی است که ضمن انجام تشریفات مقرر
نسبت تقاضای آنان اقدام خواهد شد.

رئیس شهربانی کل کشور - سر تپ صفاری
۱۳۲۳۲ - آ

اتفاق جناب آقای دکتر حسرت اله کاسمی استاد معتمد دانشگاه
و ایشانند که دوره هفدهم مجلس شورای ملی در حقیقتا هاست مقام مری الیه
و افتخار اهالی ساری است تبریک عرض مینمایم.

رضای صمدی - نورالدین اسلام خواجه کلاردشتی
۱۳۲۳۲ - آ

درای حلقه زما شیم - کرد

با قدر کمال احترام درو بر خاوردی
رئیس دودای قاعدی دردی
ناصر از آرام رحم و بخوان بایکیت
و دان در و کلیه در و بدون انکرات
شود و با عرض دیگر داشته باشد روزی ۵ عدد کاشه کالم آسیا
ببر خورند و روزی ۳ قاشق سوخاری شربت غش طعم بد قشایند
قدرا بیل منبر نمایند و در کمالی از نای خالی که بی کرانیم در بخورند

۱۳۰۲۷ - آ

چند صحنه جذاب از حوادث جاسوسی

يك زن جاسوس در دوجنگ جهانی

-۳-

هاریت چند روز پس از پایان
جنگ جهانی و در بدینتر استاد رسمی
که شوهرش با آن ارتباط داشت رفت
و صاحب دفتر باو گفت شوهرتان پیش از
حادثه چه جنگ و صیت کرده است
صفه اوائی او در صورت مرگش بشا
که همسر او هست و صفت دیگر بخواهر
او داده شود.

هاریت وصیت شوهر نامک خود
را که فقط یک هفته با او سر برده بود
و در آغاز دومین هفته ازدواجشان با
او وداع کرده بطرف جبهه رفته بود
محترم همد و لی خواهر او و وقت
هتید برادرش نصف میراث خود را
بپسر جوان خود بخشیده است بی اندازه
خوشگین شد و تصمیم گرفت هاریت
را بهر وسیله با خود از دریافت میراث
محروم کند بدین منظور با اداره شهربانی
اطلاع داد که هاریت در دوره جنگ
بنقل آلمان ها جاسوسی میکرد و بهین
خود فرانسه خیانت ورزیده است اداره
شهربانی هاریت را توقیف کرد ولی
دخدا بعضی اطلاع ازین خبر با اداره
شهربانی رفت و حقیقت جریان را فاش
نمود و هاریت مستعفی فرود.

هاریت از آن روز پس بد با کمال
تقاضی زندگی میکرد و دارای خود را
با صرفه جویی بصرف تربیت طفل خود
میرساند تا بعد رده رسید و برای تحصیل
و ادو دانشگاه پاریس شد.
در سال ۱۹۳۹ بار دیگر نسیم
چنگ و زمین گرفت مردم از تجهیزات
مخوف آلمان ها برای جنگ صحبت میکردند
ولی اولیای دولت فرانسه قبیله داشته
که این شایعات مستلزم آواره و نازی ها
از قدرت و حشمت آور خود ها میانی متشرف
میسازند تا زمانه ازان نکلیس و فرانسه
را محروم کنند.

این فکر میان ملت فرانسه رواج
داشت که تا گمان جنگ شروع شد و
«پید» بر تحصیل کرده هاریت نیز مانده
پدرش حال میماند چنگ کرده طولی
نکشد که از تن فرانسه دوم هکست
و از آن ارتش یو لود عده ای مقتول و
صد ها هزار نفر اسیر شده.

هاریت هر روز در دوا بر وزارت
چنگ درش میکرد و از فرزند خود
سراغ میگرفت تا بداند که مرده یا
زنده است. بالاخره اطلاع یافت که
پسرش در جنگ مجروح شده و اکنون
در یکی از بیمارستان های آلمان بستری
میباشد.

این خبر برای هاریت تا اندازه ای
قائم نشده بود ولی بازم او را کمال
مطمئن نی ساخت و خواب و آسایش
را از او گرفته بود تا یکشب که
با گمان چشم هاریت بر نرزد و فکر
تازه ای بدین او رسیده که اضطراب
او را مایل بآرامش ساخت.
مادر محبت کشیده از آن لحظه
و ضم دیگری پیدا کرد اثر خستگی و
فرسودگی از چهره اش زایل شد و آن
هپرا بر خلاف جنهای دیگر براحتی
خوابید و به خواب سنگینی فرورفت.
صبح روز بعد که از خواب برخاست
کوی دمسال جوانتر شده است بر روی
معین آسای امید او را نشاط بخشیده
و جوان ساخته بوده هاریت پس از
صرف صبحانه مقابل آینه رفت بهترین
لباسهای خود را پوشید و تا میتوانست
خود را آرایش نمود پس از آنکه از
توانت فراغت یافت از خانه خارج شد
پس از گذشتن از چند ستون راه
محل آمد و شد افسران آلمانی بود و
یکتر ستون پشیمانی و شکست و یک
افسر آلمانی را در درجه سرکنی داشت
و نامش هاینریش بود پدام اداخت و
بر روی قلب او را ستر کرد.
از آن روز مردم همه جا هاریت
را با آن سرکن آلمانی همراه میدیدند
و از اینکه زن فرانسوی با افسر دشمن
سازگار شده و طرح دوستی رفته او را
ملامت می نمودند و لای هاریت باین
حرفها اعتنا نداشت.
او فقط در فکر فرزند خود بود
و امید داشت که پسرش با لشک افسر
بماند.

کلامهای انگلیسی سو گیماس
کلاسهای انگلیسی سو گیماس در دوام اول از ۲۵۰ نفر تجاوز نموده
هر چه مردان و زنان ۱۵۰ سال میشود سو گیماس ۳۰۰ نفر
و در هر تدریس است که دانشجو را انگلیسی دار مینماید. کلاسهای سو گیماس
محیط خوابگاه کی است. کلاسهای صبح مخصوص شوهر زن و بانوان و
کلاسهای بعد از ظهر مختلط می باشد. گ-۶۴۸۵
۶-۶

تشکر و معذرت

خاندان های الهی - ارباب صفوی - امیر حبیبی - کیوسی - امینی - سولتی
از دری - قوای از کلیه ذوات معترمی که در مرگ تا بهنگام سروان مالی
میر محمد الهی با تشریف فرمائی در مجالس ختم با نثار و تلکرافات ابرار
مهدردی و اظهار ملاطفت فرموده اند بخصوص از تیسار سببه رزم آرا
و باست دل ستاد ارتش افسران و دانشجوین دانشگاه افسری افسران
دروالی ارتش مرششگر نموده چنانچه بابت تاثرات قلبی سادات و رفقای
با عرض جواب مقدور بیا همد بخشش داریم.

سید حسین الهی - جعفر الهی - سید محمد نواب صفوی
سر هک باز نشسته امیر حسینی - هک ستاد قیوسی - سر هک
ستاد امینی - حبیب صولتی - علی اصغر قوامی - ایرج و منوچهر از دری
۱۳۲۰۵ - آ

آگهی شهربانی کل کشور

چون مسافرتی که قصد حریت و زیارت طهات را دارند
اغلب از اجاف و بد رفتاری مدیران و کارشان شکامهای مختلفه
مسافر بری شکایت داشته و برای رقم تعدی تدریجاً بشهربانی مراجعه
می نمایند لذا برای اطلاع عموم بدین وسیله اعلام میگردد که از مدیران
بندهای مذکور نسبت بطرز رفتار و عمل آنها با مسافرتین و تیشیت
انرج عادل قلی و فراهم نمودن تسهیلات مسافرتی ازین تمهید و التزام
اخذ شده و ضمناً چند نفر افسر انتظامی تمهید گرفته اند که با بازاری
های متواتر و دقیق عمل بنکامهای مزبور را تحت کنترل قرار داد و چنانچه
مسافرتین شکایتی از بنگاه یا کارکنانش داشته باشند فوراً مورد رسیدگی
و منظور حق قانونی آنها را تامین نمایند.

رئیس شهربانی کل کشور سر تپ صفاری
۱۳۲۳۲ - آ

بهترین معرفت بهر جنس
دانشگاه آن هستند

فرایای رادیو برق و باطری
اندیشه بار از دانشگان

سوال فسر مایند

کانون گسیب

نایند انصاری - رضا حکیم زاده سرای حاج ملا علی تهران تلفن ۶۱۷۰
۷-۶
۱۳۲۳۲ - آ

مژده بزرگترین عتبات طایبات
برای مسافرت بکافمن علیه السلام و کربلای معلی
از انوکارهای تک صدنلی
شرکت سهامی لوان تور
که همه روزه حرکت مینماید استفاده نمایند
راحت - اوزان - معطن
برای تهیه بلیط در تهران بطن های هماده
۹۳۶۱-۹۴۵۴-۹۸۷۶ و در شهرستانها
بنمایند گان شرکت مراجعه فرمائید
۱۳۰۳۰ - آ



نشوید اسپین کر نیال
قابل تزریق بدون خطر و عکس العمل علاج ممتاز
امراض روماتیسمی حاد و مزمن و بهترین معالج یدی سل
بطی السیر غیر حقای میباشد.
۱۳۱۰۴ - آ

آگهی
آگهی حفاری چاه آب و قنوات شرکت سهامی الدا
با وسایل و ماشینهای حفاری آخرین سیستم بهل ترین ترتیب آماده
خرچاه و استخراج آب میباید مالکین و صاحبان اراضی باین میتواند بدقت
شرکت واقع در کوچه شهرداری شماره ۲۵۰
با تلفن ۹۹۶۹ مراجعه فرمائید
۱۳۲۷۰ - آ

آگهی
کلاسهای انگلیسی سو گیماس
کلاسهای انگلیسی سو گیماس در دوام اول از ۲۵۰ نفر تجاوز نموده
هر چه مردان و زنان ۱۵۰ سال میشود سو گیماس ۳۰۰ نفر
و در هر تدریس است که دانشجو را انگلیسی دار مینماید. کلاسهای سو گیماس
محیط خوابگاه کی است. کلاسهای صبح مخصوص شوهر زن و بانوان و
کلاسهای بعد از ظهر مختلط می باشد. گ-۶۴۸۵
۶-۶

از ع . اشراقی

از راهی داشته و آن بکنفر لایحه است
این بود که در صد ناکام کردن او
را آدم فلاحه دارم خود را رسوا میکنم
کنکار درست و حسابی آبروی خود
را بزم
تا نشتین چیل یک حس حسادت
مرا تحریک کرد و هست چنانی را
که در من بود مستمه برای تو در دانی
شوی لایله بود
آقای مهندس « ر » نصف روز
را کار میکرد و نصف دیگر آن را
وقت گردش دادن و تفریح بردن و
خوش ناکداشتن از کرده بود .
همیشه بعد از ظهرها این جوان خوش
اندام خوشروی و خوش خوی مثل
پروانه دور خانتش چرخ میزد و اما
اتومبیلش اینطرف و آنطرف حرکت
میکرد ؛ این زن و شوهر میزه
میکرد ؛ هم خانه بودند هم خانه
نبودند ، هم همه جا بودند هم هیچ
جا نبودند
زهی بی شرمی !
در صورتی که من مستمه ام

شب تروسی
خاکم بر،
آنای مهندس دره شوهر لایلا
پنجاه سال صبر کرده و قبول دیگران یک
سال عزاداری بود. این جوان شریف،
پاک و منزه هر چنان با خانواده ماهی
ناله واکر مادرم اصرار نمیکرد او
میجوت دن نمیکرفت. پس از یکسال
دشمن هروسی کرده.
مادرم در عین حالیکه، ناله
نظرات اشک را با آستین پیراهنش
پاک نمیکرد به خوشوقتی نظاهر
می نمود.
خلیل میچرخید، شیرین زبانی می
کرده. این طرف و آن طرف می دوید
و میبخت. هروس وارد خانه شد طلفک
روید و خود را توی پتل او انداخت.
مادرم از زمین این منظره دیوانه شد
و با خفت خود را از بالای جمیت بیرون
نقید و یک دوشه تارک سیاطرقت
روبار پهن و پاک کردن اشک مدهار
مرداد.

مظهره آسمان
نیبه های شب، هنگامیکه سکوت
وسکون بر زمین ضا حکم فرمایند،
چشم با آسمان میانه ازم، اینقدر
چشم باز میماند و اینقدر طلوع و
اموال کو ابر را میبرد تا آنجا که
من درک و فهم را به تحویل دارم -
کنم.

شبهای هول انگیز جلوشان خیره
من مجسم میشود، بنظر میرسد که بهر یک از
مژه های چشم من یکسری آسمان خیلی
بلند و معکوس کرده و سر دیگر
این ریسانها را بسته اند -
این بی خوابی و این هم آغوشی
احباب بودن نصیب هیچ فرزند آدمی
نشود! این چه بدبختی است! من
کناکارم!

نگاه و لیختند
«خلیل» این کودک دوساله، هم
با نگاه خود مرا می کشد و هم با لیختن
هایش، نگاهش مرموز، لبخندش -
کناکار!

من باشد، من خود را برای بازی
فردن باین هوسه فرنگی لا بقتل
میدانستم !
شامه من برای بوییدن ایندهسته
گل آماده تر بود اخیال میکردم نقاش
طبیعت این نقش بدیم را برای من
تهیه کرده ولی ایلا لالا غصب کرده
است! غنچ دلال ، کدر شده و لار ،
ایناه و اماره ، مجازو کتابه هیچ بدرد
من نخورد و موقتین نصیب نشد !
مهندس که یکبارچه عاطفه و احساسات
بود بر برابر این تلاشهای من که روش
و متانت بفرج داد تا اینکه من مجبورم
فرد دست بپایله های دیگری بزنم
برای او تو ختم ،
» حسن تو دالم بدین قرار
باشد ، تو جوابی ده خواهوا نماله،
ای گل خندان نو شکفته نیکهوار ،

هر کسی بخم شد، خلیل و راه را خوش
نشید و نستین بوسه گرم و آبدار
قبیله خود را شار گونه های چاق و
برآوردخته کودک نره.
آبا این صمیمیت میان خلیل و
زن پدرش چایید خواهد بود.
روح لیلا
لیلا که اکنون تار و پودش طعمه
خاک شده، در این شب روح خندانی
داشته.
شب ها که خلیل میخواست وید روحش
از ملاه اعلیٰ نزول مینمود و خود را
پایین او میرساند و وقتی مشاهده می-
نمود که سر خلیل از روی متکا لغزیده
و بزین متمایل شده و غضبناوری نیست
که سر او را روی متکا قرار دهد،
میشد و رستا می شد و با همین حالت او چ
میکرفت.

وقتی حدسی برزور خشنه چشان
خودرا متوجه چشم من میکنه واز
تغلا وحررت باز میانه بندهل من
پاره میشود وخیال میکنم الان کودک
ایرادیمنه «تومارورا...»
هینطور وقتی لبان اوچکش
بایالهندی باز میشود، دیگران خواهوت
پیشوند، ولی بنظر من بسم کودک
سماوی این است که بن گفته باشد:
«بی شرم» !
کاش آنروز ♦♦♦
مگر «لیلا» چه چیزش از من-
فهر داشتم، او مدرسه رفته بود و
من نیز مدرسه رفته بودم شوهر او
مهرق بود و شوهر من ملاک بالین
نرسد که ادرش ثروت وهر من دورا بر
درش ثروت و شوهر او بود، نقطه شوهر او

خاطر ببل که نوبهار ناله «
مهندس با تلقن جوام داد،
«... در انتحاب شعر سلیقه خوبی
دارید، و اضا غزلهای سدهی خیلی
هرین وجداب مهندس در هر سال
من معطین هستم که مقصود تان نقط
نشان دادن یکه غزل خوب سدهی بن
بوده است و تشکر میکنم»
من همانجا بشت تلقن باو لقمه ،
مسلم است که غزل خوبی انتخاب
کرده ام ولی مقصود دیگر هم
داشته ...
- دیگر چه مقصودی؟
- غرضم این بود نه هما اندرز
شاعر را مورد دل قرار دهید،
- مگر شاعر چه لقمه؟
- شاعر بکل خندان او هکفته
توسیه درده که خاطر ببل را

ولی دیشپ روح لایلا آزاد بود
و با روح آزاد چو لاله میزد دریا
از آسمان مشاهده میکرد که در زمین
قلب هائی نشیط و مهربان روی لونه
های وی شش میگرداوه.

صحبت هائی نه از حرفت می-
کردم به پیش ازیم ساعت و وقت نگرفت
آخرین صحبت هورم این بود
«راستی این زن کی میج از رژی نه ارد
و این دنیا ابدی قابل اعتماد نیست.
اوه! چه دنیای بی اعتباری! مثلاً اینکه
دیروز بود، لایلا مثل گل همیشه بهار
خوش بود، هاده دندان، خوش فرغانه
قوی، سالم، خوش قلب، بااعطای یک
سال گذشت! دختره را خاک خورد،
میسو و ناپود و فانی مطلق هده!

ك اتومبيل داشت كه عصرها ليلارا
سوار ميكرد و بتدریج می برد ولی هر
بوش شوهر من چندین خانه و باغ و
نزاره داشت و می توانست در هر وقت
تومبیل داشته باشد.

اینرا نگفتم كه شوهر لیلای غلب
وقایع چندین هزار تومان مقروض
بود و ماهی همیشه از این و آن طلبكار
میداد.

بس این آتش حسدی كه همیشه
بر او میكشید و روی چاه اصلی بود
خواستارم چه رجعی بر من
داشت كه من چشم دیدنش را داشتم؟
كاش آنروز، آنروز كه از
بوش بودن شوهرم عصبانی میشدم،
حالی كه من از او خوشتر بودم،
من تجزیه و تحلیل را احوال می كردم
باید رسوا شوم!

میزاداد
من یقین دارم که شوهر لیلای نامه را
لیلای نشان نداده ولی نیت این نامه
چه وسیله بدست لیلای رسید لیلی نامه
مرا خواند ولی نتوانست حدس بزند
که شوهرش در برابر عیرو لایه من
چه عکس العملی نشان داده است. او
مرا شناخت و لیلی پری خود نیارود و
بطوریکه کنجکوبی مردم تا آخر
عمر خود این راز را برای کسی و حتی
برای مادرش فاش نکرد و فقط وقتی
مرا میدید رنگ صورتش تغییر میکرد
و ناهی می کرد. قطره عرق روی پیشانی
پدیده میگردید.

بیکروز ظهر که اطلاع داهتم
لیلای نامه مادرمان رفته و تا غروب آنجا
شواهد بود و مهندس هم در خانه خود
تنهاست و رفت را غنیمت دانسته خود
را به بیرون میبرد و با مادرش با ملامت

يك سال گذشت و علت خود كشي
 او كشف شده، رفت به رفت. »
 در حاليكه شهر من اين چنان
 را ميگفت، واري شد به من مرازي و روي
 ميگرد و جمله دشوار قلب مرا ميشد
 و عرفاني از اين سردن بدمن را ميشد
 ميياداد ديگر به ادراك شده و روي
 براي من باقي مانده بود و به قدرت
 صيانت و خود اداری.
 ديگر نگذاشتم پيش از اين
 شهرم اظهار تاسف نكند. فتم:
 - ميشواي بداني «لایلا» روي
 علت خود كشي كرد؟
 - چگونه، مگر هيان علت را
 كشف کرده ايد؟
 - علت آن نردن معلوم است،
 ميشواي بگويم کدام ديوانه بديشي
 سيله اين كار را فراهم كرد؟

من دیگر طاعت و شعوری
ی خواهی ندارم؛ از شبها روی این
پتله و آن درنده غلظیم استخوانهایم
برد شد؛ دیگر بازی آفر ندارم
که «خلیل» و اییمن و از نداعت و
فرشته فی آف شوم، و از اضطراب و
محلات دل بسته و آدمم و از بی رمزمه
کردم؛ دل میرو درستم صاحب دلان
ندارم و بیچاره شدم؛ بیش مرزبشکی
از ما ذق و پیچا حاذق گرفته، و لثم و
اووی تسکین و خواب فرستم؛ بد بختها
نه اصحاب از تشنج رهائی یافت و نه
چشم با خواب آنها شد.
دیشب در حالیکه در اختیار او احمه
مغلیه میروم و پیادارم رسید که
برندهای سیب روی شاخهای درخت
نار خاتمان بسته ناله های برزن-
انگیزی سر میدهند، خواستم بر ندا

ولی لیلایه اوایل غروب بستانه
بر پشت و صبرا دروخانه خلوت خود
بانت و مضمون آن ماه هم درخاوش
بود و خیال لرد به !

پیام لیلی
یک روز بد از غود کشی نامه
او بمن رسید :

«خیلی محرمانه
خواهر عزیز : بمن ثابت ده
که شما شوهر مرا میخواستید و او
هم شما را ، من نتوانستم مانع خوشی
و سعادت شما بشوم و برای اینکه
در آتیه این خوشی و خوشگذرانی
شما لنگه دار نشود و مردم در اطراف
روایت های چیزی نکنند من باطیب
خاطر شما خود را بشما دادم
قطعا انتظار دارم که به «خلیل»
به نمرده ...»

«لیلا»

— پس چطور تا نون ساکت
مانده اند ؟
— اوہ ! چطور ساکت مانده ام
این بی خوابی و این راضی بی سببست
و این وحشت و بی قراری و این آزادی
و نوازی چه لذت داده میگویم ، پرده
از روی اسرار برمی دارم ، بگذار
هر چه می شود بشود ، از فردا چه
از دست بر می آید بکن ، می خواهی
مرا بکش ، می خواهی از خود دور
کن ، من تا نال لیا مستم
نلایق بول شما « کل همیشه بهار »
بود ولی من چشم دین این دل را
نداشتم ،
نلایق بهان فامیل ستاره تا ناله پرده ،
من می خواستم این ستاره شرب شده ،
لیلا نه چهارده بود ، من می خواستم
این ماه چهار خوسف بود
من تصور میکردم شد و نه خوشی
و صداقت را فقط یک نفر از فامیل ما

تمام نام و بی جهت شده اند
 بن ناله باسرت خازن ادا شده
 پرواز کرد در همین لحظه سکوت
 فنا بهم خورد و جدائی بلند شد.
 احب صدامعلوم بود و این پند کله
 بگوش من رسیده، این برده سفید روح
 «لیلا» بود
 من او هشتین این عبارت سفت
 تکان برداشته و بشدت لرزیدم! آیا
 روح لیلا در صد فرشتن انتقام
 است ؟
 دوباره ندای لوئیده میجود
 در فنا طنین افکند: «بالاخره اسیر بنده
 انتقام خاتم شد»
 شکامی هم و تنبلی خسته و
 کوبیده، دست از گریبان برداشته
 دخی روی لوئدها و پیشانی کشیده
 قطرات دوش عرق سرد او زوده
 آهی کشیده بخود فلتم: «پایند
 رسا و هم پایه این رازی را غلط
 او شده باشی تبت»

نہیا بان اسلامبول

کافور و گلاب

10-2

۱۳۲۸ ۱-۷

انوکیتا صنعت

INVICTA

کارتون کی نرینہ

نمائندگی
فروش گاہ اجما
خانان اسلامبول

نمائندگی
فروش گاه اجزاء
مخازن اسلامبول

بہترین کاشی ساخت چکوسلواکی

بقيت تجارتی فروغیہ میشود خیابان ناصر خسرو - ہرای کاغذیہ - اطاق شمارہ ۱۰-۴

The illustration shows a rectangular box and a small jar of Morlen Pomade Antiseptique. The box is dark with a light-colored band across the middle. The brand name 'Morlen' is written in a stylized script on the left side of the band. To the right of 'Morlen', the words 'POMADE ANTISEPTIQUE' are printed in a bold, sans-serif font. Below this, in a smaller font, it says 'Laboratoire Orla'. The jar is cylindrical with a similar design, featuring the 'Morlen' logo and the product name. The background is dark and textured.

سوختگی
بریدگی
زرد زخم
کجلی
سالت
و بالاخره کلبه امراض جلدی
باقوی ترین مرهم ضد
عفونی

پہاں مرفن سريعا معالجه مي شون

Y-Y

15032-T

۹
افلاطون

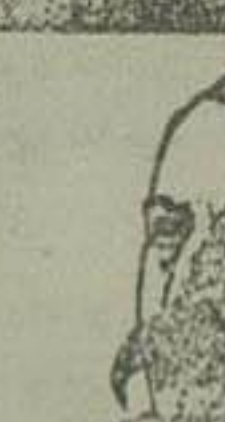
ترجمہ : کاظم عمادی

دومین کتاب از «سلسله فلاسفه بزرگ»
از طرف نگاه مطبوعاتی صمیمیتام (میدان بهارستان) منتشر شد.
بها: ۲۵ ریال
درجهم آوری «سلسله فلاسفه بزرگ» که بدون شبهه يك مجموعه
فیس وینظیر فلسفی را تشکیل میدهد و در آینده صد بار بر بهای آن افزوده
خواهد شد خدمت فرمائید. از «میشو» اولین کتاب «سلسله
فلاسفه بزرگ» بیش از چند جلد باقی نیست در خرید آن عجله فرمائید
چای کتابهای سلسله فلاسفه بزرگ برای استفاده عمومی نازل تعیین شده است.
۱۳۲۶۹-۲
۵-۳

دژده بهماقرین محترم کربلا

پنجاه سالگی بری قم و اقم در شمس المعارض طبق معمول ه سال را از این
محترم کربلا را با انوارهای آخرین سیستم درجه ۲ و ۱ یا نازترین قیمت
باسرع وقت بفروش میرساند .
برای تهیه بلیط پنجاه قم شمس المعارض یا به تلفن ۴۲۶۰-۵۲۵۸
ساجده فرماید T- ۱۲۶۶۶ ۸-۱۰۰

SLOAN'S
ANALGETIC
MINIMENT



Trade Mark Reg. in U. S. Patent Office

KILLS PAIN

اسلونز
ماکت کننده هزار در دست
مدت ۵۰ سال است که اسلونز
به دردهای رماتیسم - حرق الشا
بردره - پادرد - قولنج - دردها
لله - خستگی اعصاب - لوفنگ
بلات و مامپیها - سردرد - دندان
د - ساهسره - گزیدگی حشرات
بردری ناشی از عوارض دگام

سلونز - دار حقیقت
یک طبیب
خانوادگی است
کز فروش : دستگاه دارو
کامران - ناصر خسرو
و تمام دارو خانه ها

اگر کلفت نداشتید

بلکه بافت میوه بهای ۳ ربان از داروخانه آفتاب خیابان نادری و داروخانه فرانسیس خیابان اسلامبول تهیه کنید.
زیرا میوه مظهرها نیز کمی نظافت است.

0-2

15020-T

